

سوانح شریف

مخبر نامہ



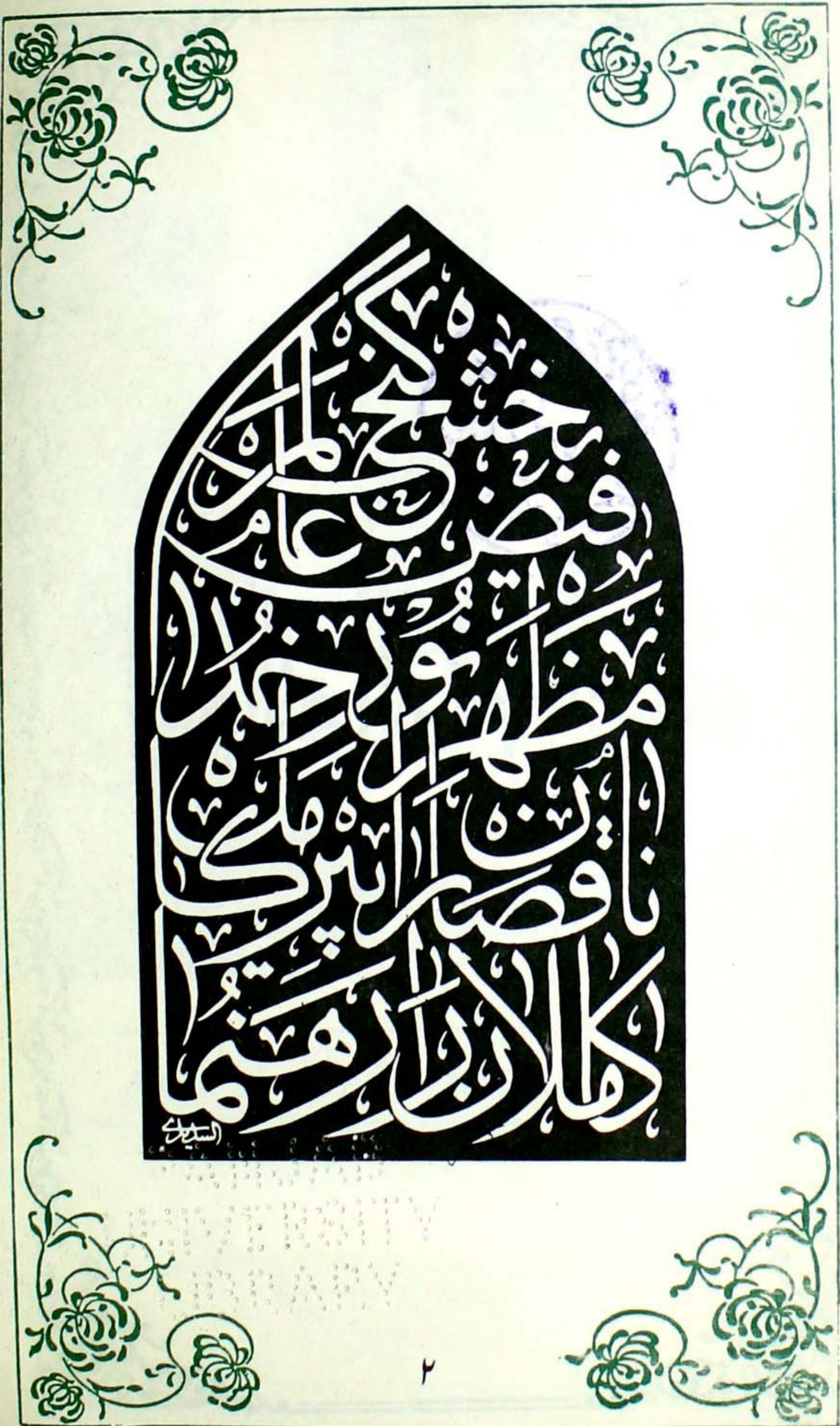
سرود:

ذکر محمد حسین تسلیہ "رہا"

۱۳ بجورنگ / ۱۹۹۲ - سوانح شریف

3336

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجویری نامہ

برای کنفرانس حضرت ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی المجویری الغزنوی اللاهوری

معروف و مشہور حضرت داتا گنج بخش مدفون در شہر لاہور پاکستان،

صاحب کشف و المخبیہ جوہ متوفی میان سالهای (۳۷۵-۵۵۰ ق)

به تاریخ ۵ مارچ ۱۹۹۰ م

در دانشکده خاورشناسی لاہور خوانده شد.

سرودہ:

دکتر محمد حسین تسبیحی

۱۳۱۲ ہجری قمری / ۱۳۷۰ ہجری شمسی / ۱۹۹۲ م - سونہار

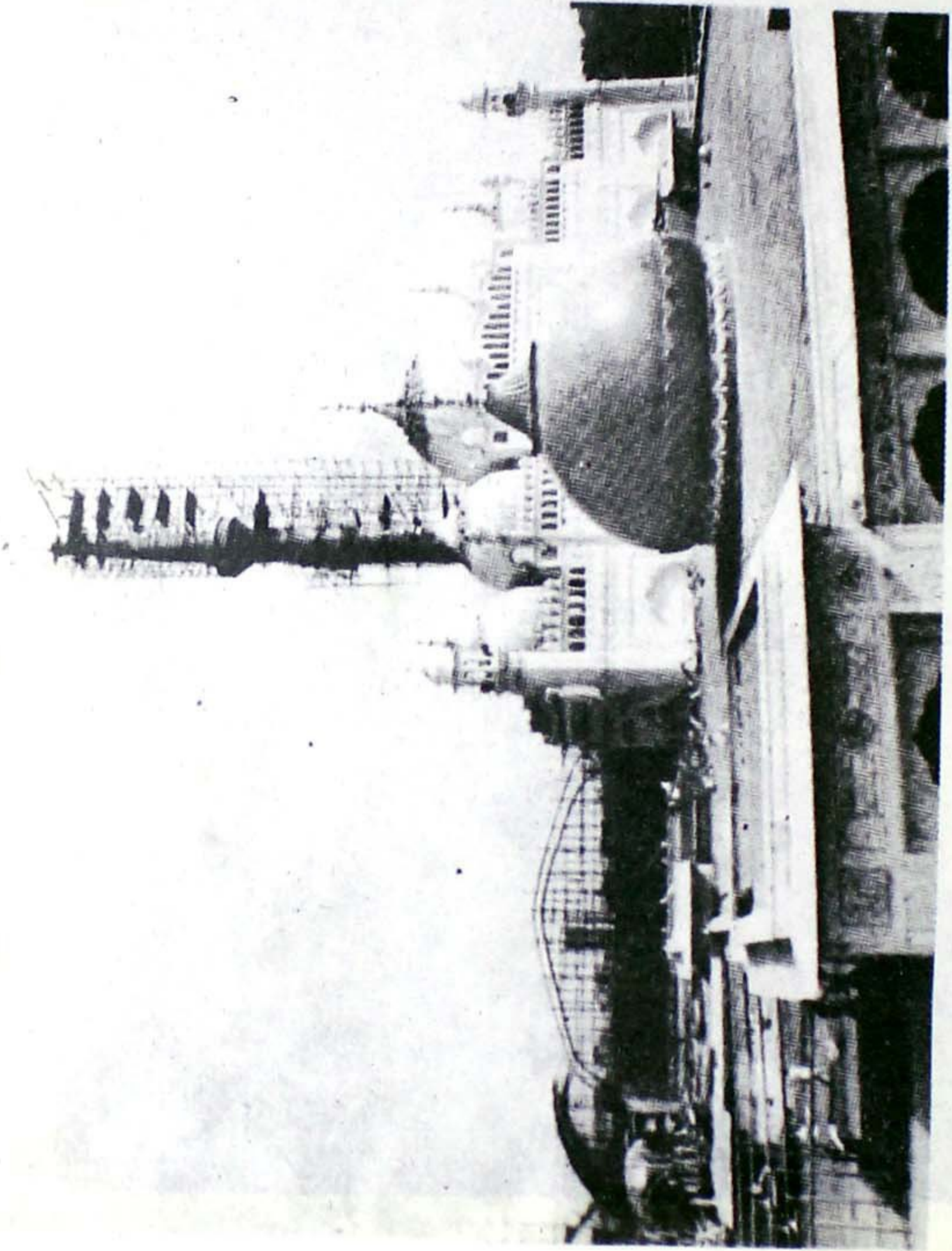
86492

86492

شنانامه این کتاب

نام کتاب	: هجویری نامہ
سرودہ	: ڈاکٹر محمد حسین تبسبی "رہا"
تقریظ	: ڈاکٹر رضا شعبانی مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
کاتب	: عبد العزیز خوشنویس
ترمیم	: عبد الحفیظ (ایم اے)
چاپ	: ایس تی پرنٹرز - گوالمنڈی - راولپنڈی (تلفن: ۷۲۸۱۸)
تعداد	: یک ہزار
قطع	: ۱۴ × ۲۲ س م
صحافی و تجلید	: ایس تی پرنٹرز - راولپنڈی
کاغذ	: ۸۰ گرمی - آفت
ناشر	: مکتبہ عزیزیتہ - چاہ سلطان - گلی ۱۷ راولپنڈی
تاریخ چاپ و انقشاً	: بہمن ماہ ۱۳۷۰ ہش / شعبان ۱۴۱۲ ہق / فوریه ۱۹۹۲ ع
محل انتشار	: ۱- مکتبہ عزیزیتہ - چاہ سلطان - گلی ۱۷ راولپنڈی ۲- کتابخانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
	ایف ۶، ۷، ۱۴ - مسجد روڈ - اسلام آباد - ۴۴۰۰۰ پاکستان
	تلفن: ۲۱۰۱۰۱، ۲۱۰۳۳۵
	حق چاپ محفوظ است

3336



مرقد اقدس حضرت شیخ علی ہجویری دہلوی
دہلیست مرقد اشجید قدیم و اشجید جدید در حال ساختمان دیدہ می شود



مرکز تجلیات (کتیبہ داخل مرقد حضرت علی تجویری (رح)

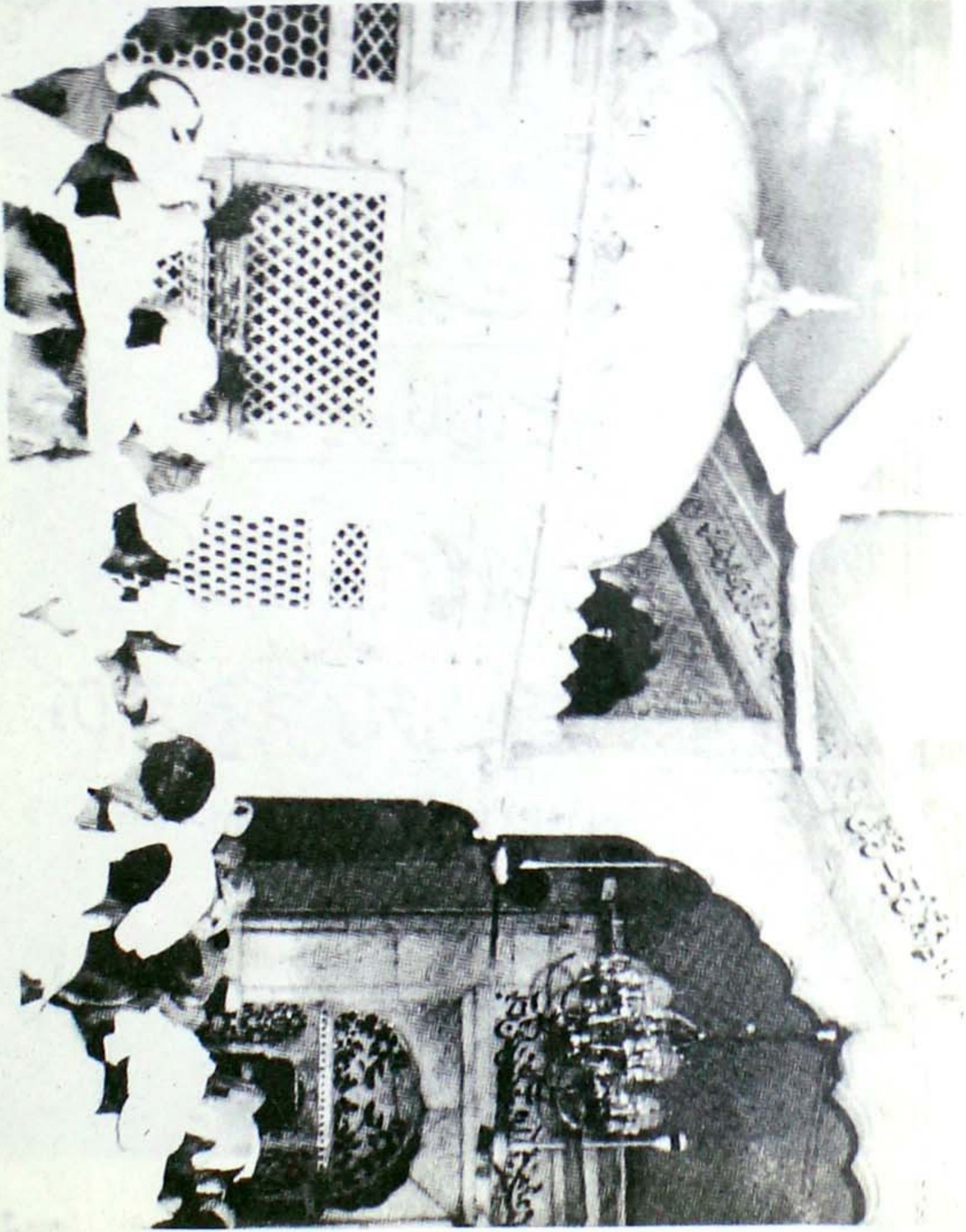
به مناسبت

بیستمین سال تاسیس

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

و کتابخانه گنج بخش که ما خود از نام حضرت داتا گنج بخش^(ع) است

(۱۳۵۰-۱۳۷۰ هـ ش / ۱۹۷۱-۱۹۹۱ م)



حجرہ اسمکافہ لاکھنؤ حضرت خواجہ حسین الدین چشتی امیر سی
 در مقابلہ سرقدیر حضرت علی حمیری (۱۹۱۴ء)

مخدوم اُم

سید مجویر، مخدوم اُم مرتد او پیر سبخر احرم
بندھای کوهسار آسان گنجیت در زمین ہند تخم بجزدر بخت
عہدِ فاروق از جمالش تازہ شد حق ز حرف او بلند آوازہ شد
پاسبان عزت اُم الکتاب از نگاہش خانہ باطل خراب
حاک پنجاب از دم او زنده گشت صبح با از مہر او تابندہ گشت
عاشق و ہم قاصد طیب عاشق از جبینش آشکارا سرارِ عشق

(علامہ کتر محمد اقبالؒ)



چشمه فیض یا چاه فیض حضرت شیخ علی ہجویری ^{رحمۃ اللہ علیہ} دلفتمی شود این چاہ را
حضرت علی ہجویری ^{رحمۃ اللہ علیہ} خود حفر کرده است۔

تقریر

عارف شہیر حضرت ابو الحسن علی بن عثمان جلّابی سنجوری غزنوی معروف بہ داتا گنج بخش
یا داتا صاحب راہمی شناسند و کتاب تطاب کشف المحجوب وی نیز کہ شفا
نخستین متن فارسی تا زمان خود و محتمل ترین تالیف در باب صوفیہ و مراتب آنان است، در نزد
ارباب معرفت مشہور است. با این ہمہ خلاف نیست کہ اگر ادعا شود شأن این مرنامد
ہمنوز پس از قریب ہزار سال کہ از ولادت او می گذرد، چندان کہ سزاوار است معلوم نشدہ
است و با وجود تعظیم و تکریم عمیقی کہ در میان ہمہ اصناف مردم از آنان برخوردار بودہ، از معرفی
ہمہ جانبہ شایستہ تمایز نپدیرفتہ است. البتہ در سوابق احوال وی نیز چنان می بینیم کہ در
تذکرہ الاولیاء شیخ فرید الدین عطار و در فصل الخطاب بوصل الاحباب خواجہ محمد یارسا

در نفحات الانس "مولانا عبدالرحمن جامی و در بسیاری جاهاى دیگر همانند "سفينته الاولياء"
 محمد داراشکوه قادری مفتی غلام سرور "در خزینة الاصفیاء" از کرام اخلاقی و تعلیم جریسته انسانی او
 بسیار و الا ذکر شده است و جمعی نیز اخیراً همانند ژوکوفسکی روسی در مقدمه کشف المحجوب و محمد تقی بهاء
 ملک الشعراء در سبک شناسی و آقای علی رضوی در مجله آریانا و نیکلسون در ترجمه انگلیسی به تقاضای
 درباره او نکاتی را ذکر کرده اند و دقائق و لطایف مقولات کشف المحجوب را یاد آور شده اند. وی
 فی الحقیقه شان شیخ پنجویری برتر از اینهاست و هم باید که در میان ابناء نوع خود بسی بیشتر مورد تحقیق
 و توجه و عنایت قرار گیرد و بالاخص کتاب گرانقدر او کشف المحجوب که در حد خود دایرة المعارف
 از مطالب فنیقیمت و نفیس در باب سیر و سلوک و معارف گوناگون است از شهرت کافی
 بهره مند شود.

حضرت پنجویری را کتابهای دیگری نیز بوده است که به همان صوت که خود در کشف المحجوب
 از آنها یاد کرده عبارتند از: دیوان، منهاج الدین در روش تصوف و شرحی درباره اصحاب

صَفِّهِ و ترجمہٴ حال کاملی از حسین بن منصور حلاج، اسرار الخرق والملونات، دربارهٴ مرقعات

صوفیان، کتاب الفناء والبقا، کتاب دیگری در شرح کلام حسین بن منصور حلاج، کتاب البیان

لاهل العیان، در باب "حج"، بحر القلوب (نحو القلوب)، الرعاۃ لحقوق اللہ، در توحید و کتاب

دیگری در بیان، که مع الأسف ہیچیک از آنها فی الحال وجود ندارد. رسالہ دیگری نیز نامہ کشف

الاسرار بدو منسوب است کہ در لاهوت بہ چاپ رسیدہ و در صحت انتساب آن تردید است

(ر.ک) شیخ عبدالرشید: داتا گنج بخش، زندگینامہ و تعالیم شیخ ابوالحسن علی بن عثمان مجوری

جلابی مغزنی، ترجمہ احمد سمعی، نشریہ شمارہ ۵ مؤسسہ فرهنگی منطقہ ای، تہران، ۱۳۴۹،

ص ۲۵.

و آتابی گمان، اگر ہیچ اثر دیگری را نیز نتوان بہ مجوری نسبت داد، ہمین یک

کتاب از جہند و ذی قیمت کافی است کہ مقام حضرت داتا گنج بخش را بہ عنوان متفکری

دقیق و معتقدی عمیق در تصوف بالانگاہ دارد. مجوری بہ تعالیم و احکام توحید و افراد

در آنها سخت مذاق می کند، برخی را می پذیرد و شرح می دهد و برخی دیگر را هم نمی پذیرد.
 از این جهت، اثر وی نقادانه و جهت گیرانه و اندیشمندانه است. چون فقط
 شرح حال گذشتگان صوفی و یا معاصرین مؤلف را در بردارد، بلکه خود از اصولی حمایت
 می کند و بدینها اعتقاد می ورزد که ملکه زندگی گانیش شده است و برای پایه گذاری
 مکتبی نوین، آن هم در روزگار بسط و تعمیق افکار عارفانه گویندگان و نویسندگان
 والا مقام ایرانی، کمال ضرورت ا دارد.

باری، در این مختصر که به منظور معرفی منظومه «بجویری نامه» استاد بزرگوار و شاعر خوش
 ذوق و با استعداد و پرکار جناب آقای دکتر محمد حسین تسبیحی تسوید شده است. بالطبع
 مجال قلم فرسایی نیست. جناب دکتر خود از دوستان اران صمیم و پابرجای عارف و الا نشان
 ایرانند و رساله دکتری پراهمیتشان را نیز در همین زمینه تدوین کرده اند و جزا که
 اعتبار کاری تحقیقی و معتبر را، همچنان بالا نگاه داشته اند. امروز در شهر لاهور پاکستان،
 مزار حضرت داتا گنج بخش مطاف اهل دل است و در سر امر روز و شب، کثیری از ارادتمندان

ویاران را به درگاه خود می کشاند. حتی هم همین است که درباره اهمیتهای اساسی وی، تحقیقات وسیعتر و جامعتر به عمل آید و در باب فضل و ارادت، با تفصیلات بیشتری به نحص و بحث بپردازند و کرسی جمهوری شناسی یا سند حضرت داتا گنج بخش را محکم و استوار گردانند تا از این مستند، علماء و فضلای جمهوری شناسی به جهان اسلام معرفی گردند. اشعار رسای استاد دکتر تسبیحی هم به حقیقت آن چنان گویاست که نیازی به توضیحات این ضعیف ندارد، مشکلی است که به قیاس دیگر سروده های مرد صاحب دل و پرشور سکن در سرزمین پاکان می بوید و به مشام دوستداران صادقانشان، بسی خوش می آید.

رضا شعبانی

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
اسلام آباد - آذرماه ۱۳۷۰ ش



درب زرین و منبت کاری (مردم آذربایجان) دروازه می گویند.

پیکرِ مهر و محبتِ علیِ هجویری	پیرِ عرفان و طریقتِ علیِ هجویری
بیدِ رحمت و شفقتِ علیِ هجویری	مُرشدِ کاملِ مردمِ بُود و نورافشان
سُر و گلزارِ شفاعتِ علیِ هجویری	هادی و رہبرِ عشاقِ طریقتِ گشته
سیرت و نُویِ نبوتِ علیِ هجویری	اولینِ عارفِ اسلامِ بہِ مُملکِ اسلام
کشفِ محبوبِ حقیقتِ علیِ هجویری	منبعِ علمِ تصوفِ بہِ جہانِ عرفان
لوحِ پاکِ و شرافتِ علیِ هجویری	حامیِ اہلِ طریقتِ سخنِ از حقِ گوید
خوشہِ سلم و سلامتِ علیِ هجویری	آن کہ اربابِ سخنِ را بہِ سخنِ باز آرد
کاشفِ علم و علامتِ علیِ هجویری	ہر کہ جویدرہ و رسمِ آدبِ عرفانی
عارفِ درگہِ رحمتِ علیِ هجویری	ہر کہ پویایِ حقیقتِ بہِ جہانِ اسلام

آن که جوای تصوف همه جا را دیده	شعله طور کرامت علی هجویری
مهر به سر پیکر عفت به کلاش ستوار	ماهر علم بلاغت علی هجویری
سخن از پیر حقایق برساند جان را	شارح امر امامت علی هجویری
آن که از دشت بلاناله دل بیرون کرد	شاهد شهادت علی هجویری
صدق گفتار و بیانش بنشیند بر دل	محرّم بر صدق علی هجویری
اولیا را بود او ذاکر و گویای جلی	گوهر درج ولایت علی هجویری
در روایات و رسوم متصوف اول	مشعل کاخ ثقافت علی هجویری
منطق عقل و شعور از سخن او پیدا	خواجه باغ درایت علی هجویری
وقت اثبات شریعت نبود مانندش	پیک ایمان و شریعت علی هجویری
او بود منتقد اهل ضلالت هر دم	ماجر شکرک و بدعت علی هجویری
قلب پاکش سخن از قدس و شرافت بود	بلبل باغ قداست علی هجویری
جاهلان را به سخن در ره ایمان آرد	دشمن بجهل و ضلالت علی هجویری
صحبت و یاری او وقت سفر شایسته	مُرشد و هادی صحبت علی هجویری

زهد و تقوی بود او را عملِ حقانی	آیتِ عفت و عصمتِ علیِ هجویری
چرخِ گردون به مُرادش همه جامی گردد	رهبرِ ملکِ سعادتِ علیِ هجویری
درسِ علم و آدب و فقه و حدیثِ اول	شاهِ توحیح و فصاحتِ علیِ هجویری
نورِ اسلام عزیز از قلمش گسترده	شیوہِ حفظِ قرائتِ علیِ هجویری
جراتش وقتِ بیان از شرف و عزتِ آدب	ماخذِ پیرِ صلابتِ علیِ هجویری
گوهرِ نوحِ قلوبش به کمالِ عرفان	منہجش گشته دیانتِ علیِ هجویری
روضه اش جایگہ پیر و جوانِ اسلام	درگهش در گہِ جنتِ علیِ هجویری
خرقہِ مہر و محبتِ اکبرت می باید	مقصدت زیارتِ علیِ هجویری
از بیانِ اہلِ عیان گشته نمایانِ امر و	سز و محبوبِ عنایتِ علیِ هجویری
راہِ ایمان به کلاش شد سوار و سترگ	صفا در پیکِ شجاعتِ علیِ هجویری
نقدِ آثارِ بزرگان ز کتابش پیدا	صحتِ فکر و لطافتِ علیِ هجویری
مسجدش گنبدِ نور است و منارِ افلاک	نورِ عرفان و جلالتِ علیِ هجویری
نگرش حاتمِ طائی به جهانِ عرفان	مقصدِ اطعام و سخاوتِ علیِ هجویری

روشنی بخش کتابت	علی هجویری	مکتبش جایگز اهل کتاب و دانش
ذکر راه فتوت	علی هجویری	سکر و صحوش همه جامایه فکر عارف
گلشن فکر رضایت	علی هجویری	عشق پاکش به خدامایه تسلیم و رضا
بری از ثنمت و عفت	علی هجویری	هر کسی از جہتی ہمزہ و ہمز از علی
تابع آیت رحمت	علی هجویری	یاد او در همه دل ہا بہ کمال خوبی
ساقی چشمہ وحدت	علی هجویری	اہل غزنین و خراسان بہ کلامش مایل
منجی امر سکونت	علی هجویری	مردم از خرد و کلان زایر دزبار علی
واعظ دزکہ عزت	علی هجویری	استعاذت کند از جہل و خرافات و ستم
زاہد اہل بصیرت	علی هجویری	در مناجات و دعا جہل و ریش گویان
متکلم بہ دلالت	علی هجویری	در صلوة و صلوات آیت قرآن شریف
حصن آرباب بصارت	علی هجویری	چون بہ تعبیر تصوف سخن حق جوی
چہرہ لطف و طرافت	علی هجویری	در حکایات و لطایف نبود مانندش
آیت حق و شہامت	علی هجویری	زفاشتہ بقادولت اقبال علی

فیض درگاہِ علی، فیضِ خدایِ نیچون	قاطع ظلم و شقاوت	علی ہجویری
کسب و تدبیر و صلاح ہمکانِ خواهد	مبتدی راشدہ حاجت	علی ہجویری
حرص و آزار سخنش نحو ابدی باشد	دور باشد ز حساست	علی ہجویری
استعانت طلبِ امرِ خدا در هر کار	رشته حق و عدالت	علی ہجویری
استخارت طلبِ خیر بود از قرآن	حفظِ آداب عبادت	علی ہجویری
آن کہ حمادِ سرخسی بودش یار و انیس	نرو ایشار و سیادت	علی ہجویری
بو سعید آن گل خوشبوی سخنانِ ادب	سخنش کرده اجابت	علی ہجویری
حتی شیخ بزرگش بہ تمام احوال	پیرو او بہ طریقت	علی ہجویری
شیخ ہندی شدہ عاشق بہ بیانِ دانا	بہترین نردِ رفاقت	علی ہجویری
احمد خوش گھر از شہرِ سخن آمد بود	ہمہمیش در ہمہ صنعت	علی ہجویری
یک دل و یک سخن آمد بہ حقیقت لوی	شد حدی خوانِ سماعت	علی ہجویری
وز جوانمردی او شہدہ نباشد ہرگز	بنیتِ کاخِ مروت	علی ہجویری
او جنیدی بود و فکرِ جنیدی دارد	جہد او جہدِ رسالت	علی ہجویری

گر مقامات و کرامات بزرگان خواهی	بجز مَوَاجِ بشارتِ علیِ هُجْویری
اہلِ عرفانِ سُنَّتِش را دل و جان می داند	نکند هیچ طوالتِ علیِ هُجْویری
مُتْرَحِ اَلْفَاظِ تَصَوُّفِ بہ کتابش مشہور	جلتہ اش اوجِ صدارتِ علیِ هُجْویری
از صفات بشریت بودش خُلقِ عظیم	گنجِ سُلطانِ نصیحتِ علیِ هُجْویری
مُنْبَعِ و مَأْخِذِ آدابِ و علومِ دینی	شیخِ دانای فقہتِ علیِ هُجْویری
طینتِ پاکِ علیِ آبِ نبوتِ دارد	اہلِ اخلاق و نجاتِ علیِ هُجْویری
صنعتِ فقر و بلا بر دلِ او مُستولی	طالبِ فقر و بلیتِ علیِ هُجْویری
اولیا از قلمش گشتہ شہیرِ دوران	کشتیِ نوحِ سیاحتِ علیِ هُجْویری
در کرامات و اشاراتِ لطیفِ شہرہ	حاکمِ مُلکِ فراستِ علیِ هُجْویری
عاصیان را بہ رَہِ توبہ ہدایت فرمود	عابدِ درگاہِ توبتِ علیِ هُجْویری
سائلانِ جملہ بہ درگاہِ علیِ پویندہ	حضرتش لنگرِ نعمتِ علیِ هُجْویری
مُشْرَبِ صُحْبَتِ او عشقِ الہی باشد	ہری از آفتِ زلتِ علیِ هُجْویری
اہلِ تحقیق اگر دل بہ کلامش دارند	ماہرِ حُسنِ روایتِ علیِ هُجْویری

مقتدای همه اهل تصوف آمد	معنی همت و رویت علی هجویری
اهل بیت نبوی پایہ ایمان علی	پیرو اهل طهارت علی هجویری
صفہ پاک رسالت به کتابش مذکور	حافظ قول امانت علی هجویری
باب علم و علما با قلمش مستحکم	اهل تدبیر و کفایت علی هجویری
نور ایمان به دلش کرده تجلی آری	داده پیغام رشادت علی هجویری
حفظ اسرار سرایر به ضمائر باشد	طاقت تحمل ریاضت علی هجویری
صدق احوال علی اهل سخن می اند	نکند ظلم و خصومت علی هجویری
معصیت راه ندارد به دل پاک علی	خوشه خرمن عفت علی هجویری
عصمت او چو ملکات همه جا گسترده	نرود راه جہالت علی هجویری
از مقالات و مقامات و مذاہب گوید	نکتہ و رمز و اشارت علی هجویری
بحث و تدریس علی جلوہ گری اسلامی	حلقہ درس و دراست علی هجویری
صیقل فکر و عمل با سخنان حلاج	شاهد حکم نظامت علی هجویری
هر چه از اهل ملامت سخن بگوید	نرود راه ملامت علی هجویری

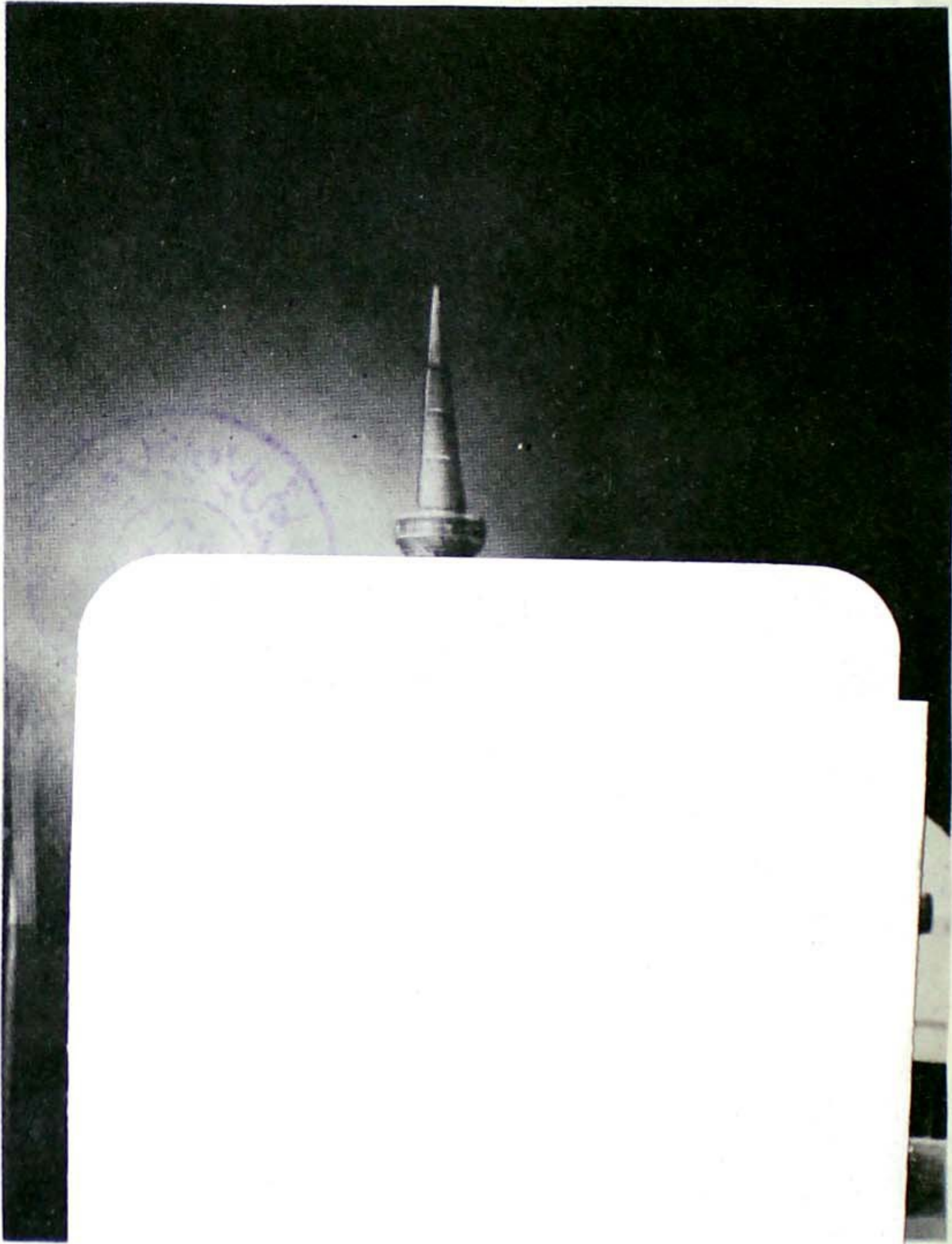
شمسہ رحمت و صفوت علی ہجویری	جملہ آریاب خرد عاشق افکار او
بہ سخن دادہ سلاست علی ہجویری	فارسی گشتہ زبان و سخن جلالی
بہ زبان گفت کاکت علی ہجویری	دفتر شعر علی را چو ز بودند از او
راہ او، راہ دیانت علی ہجویری	ہمہ آثار علی منظر پاک اسلام
مزرع سبز سقایت علی ہجویری	دشت پنجاب و ہمہ مملکت پاکستان
جلوہ ربط و سفارت علی ہجویری	مملک ایران و ہمہ کشور افغانستان
نغمہ گلشن رفعت علی ہجویری	روح دانا ہمہ جا سایہ فلک می باشد
بزرگمہ دادہ ریاست علی ہجویری	رفعت کشور پاک از سخن جلالی
نعرہ زن بھر زیارت علی ہجویری	عرس پاکش بر سوز پیر جوان خرد و کلان
پرچم صلح و قیادت علی ہجویری	مردمان جملہ بہ دربار علی می آیند
بہترین نذر عقیدت علی ہجویری	شیر نوشی و نیاز، از طرف مردم پاک
قاضی عدل و قضاوت علی ہجویری	ہر کسی خادم در گاہ علی جلالی
کردہ تائیس بہ سبطت علی ہجویری	کوئی حضرت ہجویر و مقام عرفان

کشفِ عجوبِ علی، مکتبِ عرفانِ حق
 مسندِ پاکِ علی، درگهٔ عشقِ اللہ
 پاک و ایرانِ ہمہ جا پیرو فکرِ داتا
 گشتہٗ تو شیخِ ادب، لوحہٗ فرهنگستان
 قہدِ گنجینہٗ گنجِ بخش، کتبِ خانہٗ او
 منبعِ علمِ تصوفِ شدہ این گنجینہ
 بگنجد ضیئتِ علمی نہ بخیلی ہرگز
 گلشنِ مہر و اُتوتِ شدہ سبز و خرم
 نرسد حرف و سخن بر سخنِ جلابی
 مشتعلِ عشقِ محمدؐ بہ ولایِ اللہ
 وقتِ تغیل شود روضہٗ او عطر و کلاب
 ناز و مشک و عبیر و گلِ سرخِ خوشبو
 عود و عنبر، سمن و یاسمن و مروارید
 گوہرِ لفظ و عبارتِ علیِ ہجویری
 سیر و صورت و کسوتِ علیِ ہجویری
 مُرشدِ رشد و ہدایتِ علیِ ہجویری
 چون کہ زد مہرِ نیابتِ علیِ ہجویری
 کعبہٗ منطق و حکمتِ علیِ ہجویری
 چارہٗ عیب و بطالتِ علیِ ہجویری
 بری از لوم و لثامتِ علیِ ہجویری
 خوش خبرِ پیکِ حفاظتِ علیِ ہجویری
 نگنجد جہد و حسادتِ علیِ ہجویری
 مؤمنِ خانہٗ عشرتِ علیِ ہجویری
 مرقدش چادرِ حضرتِ علیِ ہجویری
 زریں و لالہ و نکھتِ علیِ ہجویری
 دل و جانِ کردہ بہ غارتِ علیِ ہجویری

مَشَعَلِ صِدْقِ وَاِرَادَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	نَزْرُو نَذْرَانَه وَاِطْعَامِ فَقِيْرٍ وَاِسْكِيْن
دَاْفِعِ تَهْمَتِ وَاِنْقَمَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	قَوْلِ وَاَقْوَالِ وَاِنِي وَاَطْبَلَه وَاَاوَازِ دُهْل
مُسَلِّمِ دَرْكِه عِزَّتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	مَحْفَلِ شَعْرٍ وَاَسْمَاعِ وَاَكُلِ نَعْتِ وَاَتَوْحِيْدِ
جَزْبَه وَاَشُوْقِ لِقَايَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	نَعْرَه وَاَزَعَقَه وَاِيَا هُوِي عَلِيِّ جَلَلِي
لَوْحِ مَحْفُوْظِ صِحَاْفَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	مُحْرَه وَاَدَرْكِه قُرْآنِ وَاَتَبْرِكِ كَا مَشِش
گَنَجِ مَكْنُوْنِ قِيَامَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	مُوْزَه اَشِش جَايِگِه نَادِرَه هَايِ دِرَانِ
اِيْنِ بُوْدُوْشَنِ عَامَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	اَهْلِ اِنصَاْفِ وَاَعَدَالَتِ هَمِه جَاكُشْتَرَه
رَفْعِ عَطْشَانِ حَرَارَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	چِشْمَه فَيْضِ عَلِيِّ ، مَاءِ مَعِيْنِ دَايَا
هَمْدِ رُوْزِ مُصِيْبَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي	دَسْتِ حَاجَاتِ وَاِنْيَازِ هَمْمَاْنِ بَرْدَرْكَا

اِيْنِ "رِهَا" تَشْنَه فَيْضِ وَاَكْرَمِ دَايَايِ

مَرْكَزِ فَيْضِ وَاَكْرَامَتِ عَلِيِّ هُجُوْرِي



HOJVIRI NAMA



By
Dr. M.H. Tasbihi

Islamabad
PAKISTAN
1992



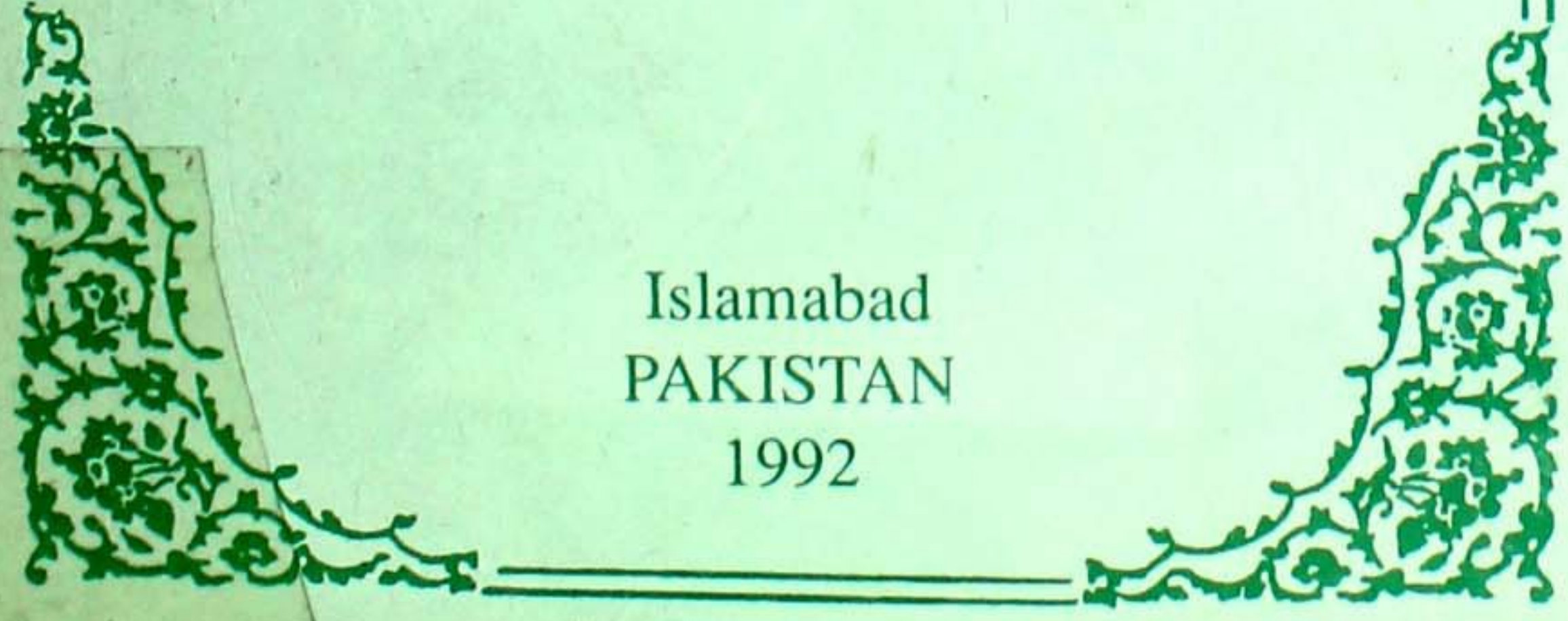
تصویر درگاہ حضرت علی ہجویری (رح) و مسجد جدید



HOJVIRI NĀMA

By
Dr. M.H. Tasbihi

Islamabad
PAKISTAN
1992





HOJVIRI NĀMA

By
Dr. M.H. Tasbihi

Islamabad
PAKISTAN
1992

